

آگوست ماکت

عشق و خون

گابریل زیبا

علیرضا مهینی



میدان انقلاب - خیابان کارگر جنوبی - خیابان لبافی نژاد - کوچه درخشان - پلاک ۱ - زنگ اول

ataipublishing 

۶۶۴۱۲۷۹۰ 

۸-۶۶۹۶۵۱۰۷ 

ataipublishing@yahoo.com 

www.ataipub.ir 

www.fidibo.com/books/publisher/

خرید نسخه "۳-رونیک: انتشارات عطایی"



چاپ اول : ۲۲۰ نسخه

ناظر فنی : بهروز فرد

چاپ : طهرانی

صحافی : کتیه

تهران : ۱۳۹۸

۱۴۵۰۰۰ تومان

حقوق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات عطایی می باشد.
این کتاب با حمایت بنیاد امید اخباراتی منتشر شده است

در آغاز نوجوانی که در دبیرستان درس می‌خواندم، نویسنده‌ی زبردستی به نام حسینقلی مستعان، با اسم مستعار ح. م. حمید و مترجم پرکار و توانایی به نام ذبیح‌الله حکیم‌الهی، با اسم مستعار ذبیح‌الله منصوری، گاه‌گاهی مطالبی را به مطبوعات آن زمان می‌دادند که علاوه بر این که در بالا بردن تیراژ آن‌ها اثر زیادی داشت، پس از مدتی هم به صورت کتابی مستقل انتشار می‌یافت و سبب علاقه‌ی مردم به کتاب و کتاب‌خوانی می‌شد.

اغلب کسانی که از سال ۱۳۲۰ در سلک کتاب‌خوانان درآمدند، از جمله خود من، در آغاز، با مطالعه‌ی آثار این دو روانه‌اد، به کتاب علاقه و شاید عشق پیدا کرده‌اند.

مرحوم منصور ری در سال‌های اول، فقط رمان‌های پلیسی - جنایی را ترجمه می‌کرد و بعد به کتاب‌های نویسندگان خارجی در باره‌ی اسلام و مردان و زنان مشهور مسلمان، روی آورد و در سال‌های آخرین زندگی، فقط سفرنامه‌ها و آثار تاریخی بی‌شماری را به خوانندگان روزافزون خود هدیه کرد.

در آن زمان، یکی از آرزوهای بزرگ من این بود که بتوانم روزی یک رمان تاریخی بنویسم یا به سبک ذبیح‌الله منصوری ترجمه کنم و در سال‌های بعد که برای ادامه‌ی تحصیل به آلمان رفتم، این کتاب را که از زبان فرانسه به آلمانی برگردان شده بود، دیدم و بر ترجمه‌ی آن، همت گماشتم که مدت دو سال به درازا کشید و چون سبک ترجمه‌ی ذبیح‌الله منصوری را نصب‌العین قرار داده بودم، به آرزوی همیشگی خود رسیدم و این سبک را در نوشتن کتاب «فاتحان ایران» هم رعایت کردم.

متأسفانه چاپ کتاب، با وجود آن که توسط همکار عزیزم خانم مریم سعادت‌ی سالام، که من همیشه سپاسگزار ایشان هستم، تایپ کامپیوتری شد، به خاطر حواشی و هزینه‌ی زیاد، انتشارش به تعویق افتاد. اینکه که انتشارات عطایی که سال‌هاست به این کار بزرگ فرهنگی اشتغال دارد، تصمیم به انتشار این کتاب گرفته است؛ ضمن اظهار تشکر از جناب آقای مهندس بهروز عطایی، مدیر انتشارات عطایی، لازم دیدم که برای اطلاع بیشتر خوانندگان کتاب، به بخشی از تاریخ فرانسه، پیش از آغاز انتشار این کتاب اشاره کنم تا خوانندگان عزیز با داشتن آگاهی بیشتری مطالعه را آغاز کنند.

* * *

روز سی و یکم ماه مه سال ۱۵۷۴ میلادی «شارل نهم» شاه فرانسه بدون آن که وارث شرعی داشته باشد، درگذشت و حکومت و قدرت سلطنتی به دست «کاترین دو مدیسی» که همسر شاه متوفی و ملکه‌ی فرانسه بود، افتاد.

در آن دوران اگر یکی از شاهان فرانسه فوت می‌کرد و شخصاً پسری نداشت، سلطنت به بزرگترین برادر او می‌رسید و اگر برادر نداشت، یکی از شاهزادگان خاندان سلطنتی که قرابت نزدیکتری با شاه متوفی داشت،

به عنوان سلطان جدید به سلطنت می‌رسید.

«هانری دانتو» برادر شارل نهم که وارث تاج و تخت محسوب می‌شد، در آن زمان به عنوان شاه لهستان در آن کشور زندگی می‌کرد و چون اغلب درباریان از طرفداران و جاسوسان کاترین دو مدیسی بودند، خیلی زود از مرگ شاه آگاه شد و به مجرد دریافت خبر، چون می‌دانست ملکه با سلطنت او موافق نیست، مجبور شد به اتفاق نزدیکترین دوستانش، کاملاً مخفیانه قصر سلطنتی را ترک کند و خود را به مرز «هابسبورگ» برساند، ولی مرزبان منطقه که توسط کاترین دو مدیسی به آن سمت گمارده شده بود، درصدد برآمد که او و همراهانش را دستگیر کند و برای تعیین تکلیف به پاریس بفرستد. ولی هانری دانتو به طرف «وینز» رفت که در آن روزگار یک کشور مستقل محسوب می‌شد. مردم وینز از او و همراهانش مانند یک شاه استقبال کردند و جشن‌های اشکوهی به افتخار او ترتیب دادند که در یکی از بخش‌های این کتاب به آن اشاره خواهد شد. هانری دانتو وینز به وین و از آن جا به فرانسه وارد شد و شتابان به شهر «رایم» رفت که طبق سنت‌های گذشته، شاهان فرانسه در آن شهر تاجگذاری می‌کردند و از آن جا به پاریس می‌رفتند.

هانری دانتو که پس از سال به مقام سلطنت به عنوان هانری سوم معروف شده بود، پس از این که در روز ۱۳ فوریه ۱۵۷۵ میلادی رسماً تاجگذاری کرد، با تشریفات کامل وارد پاریس شد.

هانری سوم، مردی بود اوار در امر سیاسی و بی‌اطلاع از اصول مردم‌داری و مخصوصاً فاقد اراده‌ی قاطع و تصمیم‌گیری صحیح و محاسبه. شدیدا به همین دلایل، هر روز بر تعداد ناراضیان او در میان اشراف و مردم عادی کشور افزوده می‌شد.

فرمان شاه درباره‌ی بی‌طرفی در مسائل مذهبی و اختلافاتی که بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها وجود داشت، موجب شد که نجبا و اشراف دو گروه فوق به فکر اتحاد با هم بیفتند و استان‌ها و شهرهای فرانسه را بین خود تقسیم کنند.

در این تقسیم‌بندی، سه استان بزرگ به «هانری دو بوربون» که شاه «ناوار» و پروتستان مذهب بود، رسید و چون این شخص رهبر سیاسی پروتستان‌ها محسوب می‌شد، تعصب این سه استان بر قدرت پروتستان‌ها افزود و در نتیجه، کاتولیک‌ها که اکثریت مردم فرانسه را تشکیل می‌دادند، مجبور شدند اتحادیه‌ها و انجمن‌های کوچک و بزرگ را با هم متحد کنند و یک اتحادیه بزرگ به نام «میث بیون» یا «متحدین» تشکیل دهند تا به تصور خودشان، مذهب کاتولیک را حفظ کنند.

این گروه به هانری سوم توصیه کرد که پروتستان‌ها را از مناصب مهم دولتی برکنار کند، ولی شاه از انجام این توصیه خودداری کرد.

در آن زمان، روز به روز شهرت و محبوبیت «هانری دو گیز» که بزرگترین رهبر سیاسی کاتولیک‌ها بود، افزایش می‌یافت. این مرد از مدعیان سلطنت یا بهتر بگوییم بزرگ‌ترین مدعی تاج و تخت فرانسه بود. هانری سوم برای این که از موفقیت‌های بیشتر هانری دو گیز جلوگیری کند، تصمیم گرفت کاری بکند

که خودش در سمت رهبری کاتولیک‌ها به رسمیت شناخته شود و برای نیل به این هدف، در اول ژانویه ۱۵۷۷ اعلام کرد که جز مذهب کاتولیک، هیچ آیین دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد و چند ماه بعد دوک گیز را به لوور دعوت کرد و در آن جا او را به قتل رساند.

پس از صدور این اعلامیه، پروتستان‌ها سر به شورش برداشتند و هانری دو بوربون، شاه ناوار و رهبر پروتستان‌ها که قبل از صدور اعلامیه بنا به دعوت هانری سوم به لوور رفته و در آن جا به دستور کاترین دو مدیسی تحت نظر قرار گرفته بود و از خروجش جلوگیری می‌شد، در یک فرصت استثنایی توانست از لوور بگریزد و خود را به ناوار برساند و به اتفاق سران پروتستان و شاهان سوئد و دانمارک و ملکه‌ی انگلستان، اتحادیه‌ای بر ضد کاتولیک‌ها تشکیل دهد.

کاتولیک‌ها به اعضای این اتحادیه و کلیه پروتستان مذهب‌ها «هوغنو» می‌گفتند و سال‌های متمادی بین متحدین و هوگنوها در نقاط مختلف فرانسه جنگ ادامه داشت.

هانری سوم در اثر توطئه دوشس دو مون پانسیه خواهر دوک دو گیز به شدت زخمی شد و قبل از مرگ، «هانری دو ناوار» که پیرو مذهب پروتستان بود به عنوان ولیعهد خود معرفی کرد تا جنگ بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها خاتمه یابد و می‌توانند در شهرها و روستاها بدون ترس از غارت و کشتار برای رشد کشاورزی و پیشرفت کشور فعالیت کنند.

پس از فوت شاه، اکثریت اوادست این نبودند که هانری دو ناوار به سلطنت فرانسه برسد و چون دوک دوگیز زنده نبود، در اطراف «دوک دو ماین» گرداء جمع شدند و البته در آن روزها مدعیان سلطنت هم زیادتر شده بودند.

کتاب حاضر که به صورت یک رمان شیرین و بلند به رشته تحریر در آمده است، کوششی است برای این که وقایع آن دوران فرانسه و مبارزات هانری دو ناوار برای بدل شدن به مقام سلطنت و فساد حاکم بر جامعه اشرافی فرانسه را نشان دهد. در حقیقت، این کتاب بخشی از تلاش فرانسه را در قالب یک داستان شورانگیز شرح می‌دهد و امید است که خوانندگان ارجمند از مطالعه‌ی کتاب که آموزه و گرم‌کننده است، لذت ببرند و انتقادهای خود را به‌طور مکتوب برای ناشر ارسال کنند تا در چاپ‌های بعدی کتاب به دتوجه قرار گیرد.